

مهمترین محفلی که

در آن حضور داشتم

ویژه‌نامه شاطر رمضان

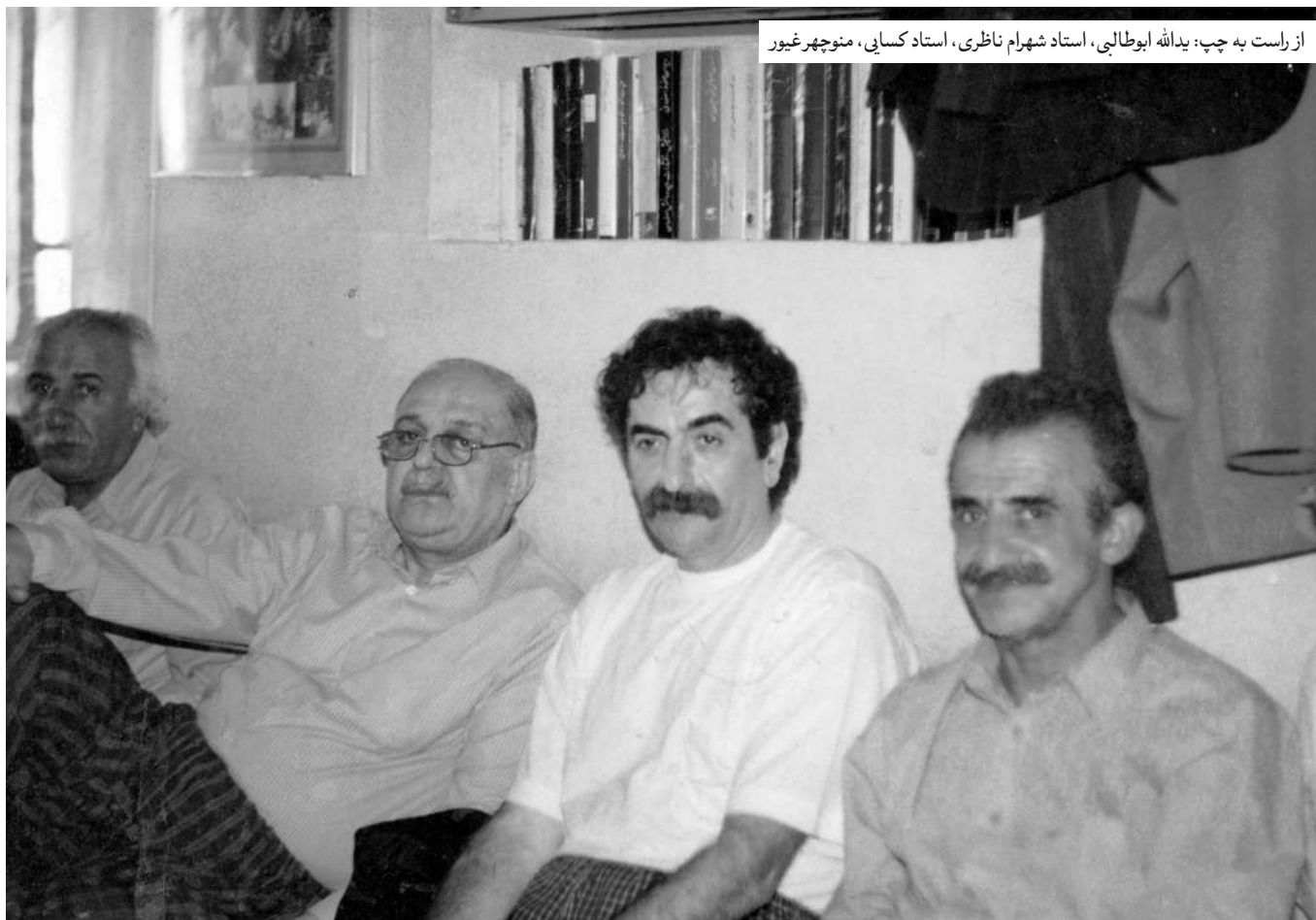
شاطر رمضان ابوطالبی از زبان استاد شهرام ناظری

هم این بود که با روی گشاده و مهمان‌نوازی، حداقل هفته‌ای یک روز هنرمندان را در منزلش دور هم جمع می‌کرد و این ابتکار کم‌کم به صورت یک رسم یا شاید بتوان گفت یک جشن درآمد و به گردهمایی هنری تبدیل شد و تأثیر بسیار مثبتی بر فرهنگ شهر اصفهان گذاشت.

این اتفاقی است که در جهان مانند آن خیلی کم دیده می‌شود. مثلاً ما امروز جایزه نوبل داریم و دلیل وجودش هم این است که شخصی به نام نوبل پیدا شده که خودش به هنر و

شاطر رمضان نانوا بود؛ اما نانوایی که یکی از نادرگان شگفت‌انگیز فرهنگ و هنر ایران هم بود. او نقش فرهنگی بزرگی را در اصفهان بر عهده گرفته بود؛ چیزی در حد یک مدیر ارشد فرهنگی. که البته شاید هیچ مدیری هم نتوانسته باشد در حد ایشان به هنر موسیقی خدمت کرده باشد.

شاطر رمضان با همان امکانات محدود و منزل ساده‌ای که داشت کاری را انجام داد که نه تنها در زمان خودش، که بعد از او هم تا سالها روی هنر اصفهان تأثیر خواهد گذاشت. ابتکارش



از راست به چپ: یدالله ابوطالبی، استاد شهرام ناظری، استاد کسای، منوچهر غبور



آنها دارم. استاد کسایی ارادتمندان و دوستان بسیاری داشت و وقتی می‌گفت شهرام ناظری مهمان من است آنها آماده می‌شدند و چند روزی برای من بهشتی را فراهم می‌کردند که خاطره‌اش فراموش نشدنی است.

یکی از این روزهایی که برای من خیلی خاطره‌انگیز بود هم در منزل همین شاطر رمضان گذشت. ما به منزل ایشان رفتیم و نهار هم آبگوشت بود. در آن اتاق معروف که عکس همه هنرمندان هم به دیوارش هست، دور هم نشستیم و استاد کسایی قطعه‌ای را با نی نواختند و بنده هم چند بیت از مثنوی را همراه ایشان اجرا کردم که به یادگار در آن گنبد دوار ماند و ضبط هم شد. البته متأسفانه من خود شاطر رمضان را هیچ‌وقت ندیدم و آن روز هم به همراه استاد کسایی و فرزندان‌شان جواد و خلیل و همین‌طور دکتر ساسان سپینتا مهمان پسرش آقا یدالله بودیم.

این یکی از خاطرات خوب من بود؛ یکی از مهمترین جاهایی که در عمرم به آن پا گذاشته‌ام. بله فکر می‌کنم یکی از مهمترین‌ها جلساتی که در آن شرکت کرده‌ام، همین منزل شاطر رمضان نانا بوده که واقعاً برایم جالب و دل‌انگیز بود.

ادبیات علاقه‌مند بوده و کسانی را که مقاله یا کتاب می‌نوشتند دوست داشته است. از وقایع برجسته هنری و ادبی باخبر بوده و نخبگان هنر نویسندگی را به خانه‌اش دعوت می‌کرده و جلساتی برای خواندن و نقد آثار آنها تشکیل می‌داده است. کم‌کم به این فکر می‌افتد که بهترین مقاله‌ها و کتاب‌ها را مورد تشویق قرار دهد و برای آن جایزه‌ای معین کند. شاطر رمضان هم چنین آدمی بوده؛ ولی ما به اندازه غربی‌ها قدر و قیمتش را ندانسته‌ایم. آنها ارزش این چیزها را می‌فهمند و از آن حمایت می‌کنند و یک حرکت را روی مسیر کارآمد و درستش هدایت می‌کنند و ادامه می‌دهند؛ ولی متأسفانه مسأله فرهنگ و هنر در ایران از آنجا که هیچ‌وقت انسجام نداشته و واحدهای فرهنگی دولتی و غیر دولتی نتوانسته‌اند از چنین حرکت‌هایی حمایت کنند، این‌طور آدمها در حوزه هنر به فراموشی سپرده شده‌اند.

البته جای خوشحالی است که قدر و قیمت شاطر رمضان در میان جامعه هنری اصفهان شناخته شده است و بعد از ایشان هم پسرشان این راه را ادامه داده و می‌دهد.

من هم در سفرهایی که به اصفهان داشتم، معمولاً به دیدار استاد کسایی و ایشان می‌رفتم و شاطر رمضان همراه دو پسر و خانواده‌اش برنامه‌هایی می‌گذاشت که خاطرات بسیاری از

شاطر رمضان با همان امکانات محدود و منزل ساده‌ای که داشت کاری را انجام داد که نه تنها در زمان خودش، که بعد از او هم تا سالها روی هنر اصفهان تأثیر خواهد گذاشت. ابتکارش هم این بود که با روی گشاده و مهمان‌نوازی، حداقل هفته‌ای یک روز هنرمندان را در منزلش دور هم جمع می‌کرد